فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۵-۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۱

ابعاد نفوذ امریکا در ایران(۱۹۷۹- ۱۹۵۳) و پیامدهای آن در شکل‌گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی

اصغر جعفری ولدانی [۱]
استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
محسن پیرهادی [۲]
دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰٤/۲۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

بررسی ابعاد و پیامدهای نفوذ امریکا در ایران در دوره زمانی ۱۹۷۹-۱۹۵۳ در شکل‌گیری روند روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که نفوذ آمریکا در ایران در طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۵۳ دارای چه ابعادی بوده و چه پیامدهایی به دنبال داشته است. در پژوهش حاضر هم در گردآوری داده‌های تحقیق و هم در تبیین وتحلیل داده‌ها از روش‌های پژوهش کیفی بهره‌برداری شده و برای انجام تحلیل کیفی از روش‌های توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های مقاله بیانگر آن است که نفوذ امریکا در ایران همه جانبه و دارای ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بوده است که کاهش حسن ظن اولیه مردم ایران نسبت به امریکا و مواضعش در ایران و نقش بستن تصویری از یک رژیم دنباله‌رو و وابسته در اذهان عمومی از پیامدهای حضور امریکا در ایران بوده است که در نهایت نیز با وقوع انقلاب اسلامی این نفوذ به پایان رسیده است. تبیین این نفوذ برای درک ریشه‌های رفتارهای جاری این قدرت بزرگ در خصوص کشورمان امری حیاتی است که می‌تواند ضمن عمق بخشی به درک جامعه دانشگاهی یاری‌گر دستگاههای سیاست‌گذاری خارجی باشد.

واژه‌های کلیدی: قدرت ثالث، گسترش نفوذ، موازنه تهدید، متحد استراتژیک.

1. rjvemail@yahoo.com
2. pirhadi.mo@gmail.com

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

مقدمه

به طور کلی بررسی سیر تکوین و نحوه آغاز و پیشرفت روابط دو کشور علاوه بر آن‌که به لحاظ تاریخی حائز اهمیت است می‌تواند مبنایی برای شناخت حرکت‌های گذشته با هدف پی‌ریزی حرکت‌های آینده باشد. اما به طور اخص شناخت برخی از برش‌های تاریخی خاص که در جریان روابط دو کشور از حساسیت و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده‌اند می‌تواند همچون بسته‌هایی فشرده از تجارب ناب و ارزشمند فراروی تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی قرار گرفته و علاوه بر روشن کردن زوایای مبهم و تاریک گذشته به شناخت عمیق و دقیق وضعیت جاری در مناسبات دو کشور نیز کمک نماید.

به لحاظ تاریخی دوره۱۹۵۳-۱۹۷۹ در سال‌های مابین دو واقعه بزرگ تاریخی قرار گرفته است که هرکدام به نوعی حائز اهمیت و تاثیرگذار هستند. سال ۱۹۵۳، به گونه‌ای نمادین، بیانگر پایان سلطه بریتانیا بر ایران و سرآغاز نفوذ گسترده ایالات متحده است و سال ۱۹۷۹، شاهد فروپاشی نفوذ آمریکا و اعاده حاکمیت ایران پس از دهه‌ها نفوذ قدرت‌های بزرگ است. قدرت‌های بزرگ تاثیراتی شگرف بر محیط بین المللی می‌گذارند، تبیین نفوذ ایالات متحده به مثابه یک قدرت بزرگ در کشورمان برای درک صحیح‌تر قواعد رفتاری قدرت‌های بزرگ و بویژه ریشه‌های رفتارهای جاری این قدرت بزرگ در خصوص کشورمان امری حیاتی است، که از طرفی می‌تواند به عمق بخشی به درک جامعه دانشگاهی کشور در این باره کمک نماید و از طرفی نیز یافته‌های چنین پژوهشی می‌تواند یاری گر دستگاههای مشغول در امر سیاست‌گذاری خارجی باشد.

پژوهش حاضر به مثابه تبیین مساله تاریخی نفوذ ایالات متحده در ایران،می‌تواند برای شناخت بهتر ریشه‌های خصومت ایران و آمریکا حائز اهمیت باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت نوپای برآمده از انقلاب ناخواسته درگیر جنگی تحمیلی شد که در آن، ائتلافی منطقه‌ای و بین المللی از عراق بر علیه ایران حمایت می‌کرد. در این مدت مشکلات عدیده‌ی داخلی ناشی از جنگ و تحلیل منابع کشور از یک سو و مشاهده مداخلات و حمایت‌های کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از متجاوز از سوی دیگر ایران را در یک انزوای سیاسی قرار داده بود. اما پس از پایان جنگ، ضرورت بازسازی خرابی‌های جنگ بار دیگر مسئولان کشور را متوجه گسترش روابط با جهان خارج و ترمیم روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

بر اساس منافع عملگرایانه ساخت. اما در این میان جنگ سرد حاکم بر روابط ایران و ایالات متحده (و متحد استراتژیکش اسرائیل) همچنان ادامه یافت.

تاریخ روابط سیاسی ایران و ایالات متحده تاریخی چندان کهن و طولانی نیست. هنگامی که این رابطه در نقطه اوج خود به یکباره به شکست انجامید شاید چیزی بیشتر از نیم قرن از حضور و بازنگری سیاسی رسمی، فعال و جدی آمریکا در صحنه سیاسی ایران نمی‌گذشت. نقطه آغاز این رابطه از یک منظر بسیار حائز اهمیت بود؛ این که در آن هنگام ایرانیانِ خسته از سلطه و تاخت و تاز و تاراج دو قدرت بیگانه روس و انگلیس رابطه خود با آمریکا را به این امید آغاز کردند که این قدرت نوظهور و غیر استعمارگر بتواند به مثابه یک قدرت سوم ایران را از شر رقابت‌های دو قدرت ذی‌نفوذ نجات دهد. به عبارت دیگر در ابتدای راه ذهنیت ایرانیان در خصوص آمریکا و نقش آن در ایران کاملاً مثبت بود و این ذهنیت مثبت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت. سرنگون شدن دولتی که کمابیش ماهیت ملی و مردمی داشت در پی کودتایی به ابتکار، حمایت و همکاری آمریکا و انگلیس سرآغاز ازمیان رفتن این ذهنیت مثبت بود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تعبیر بسیاری از تحلیلگران تاریخی و سیاسی فرآیند دموکراسی در ایران را در مرحله جنینی خفه کرد. از آن زمان تا پایان سلطنت پهلوی دوران ۲۶ ساله‌ای از نفوذ، سلطه و مداخله آمریکائیان در ایران را نظاره‌گریم. مواضع کنونی سیاست خارجی و نگرش غالبی که نسبت به قدرت‌های بزرگ بر سیاست خارجی کشورمان تاثیری تعیین کننده یافته است متأثر از این دوره ۲۶ ساله نیز هست، بنابراین درک آن یاری گر شناخت صحیح‌تر سیاست کنونی ایران نسبت به ایالات متحده نیز هست. بنظر می‌رسد که منازعه کنونی ایران و ایالات متحده را می‌توان در متن منازعه ایران و قدرت‌های بزرگ دریافت، بر این اساس یافتن قواعد تکرار شونده در روابط قدرت‌های بزرگ و ایران برای موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است.

۱ـ چارچوب نظری

عدم تحقق موازنه علیه هژمون بالقوه در مورد ایالات متحده پس از جنگ سرد، یکی دیگر از متفکران واقع گرای به اصطلاح مادی گرا، به نام استفن والت را به سوی جا به جایی نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد تا بدین سان به ادعای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

او، گره کور نوواقع گرایی گشوده شود(لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱). نظریه توازن قدرت یکی از ارکان نظریه رئالیستی روابط بین الملل است که اساساً به این بحث می‌پردازد که دولت‌ها در برابر قدرت رشد یابنده‌ای که یک مساله حیاتی برای امنیتشان ایجاد می‌کند دست به توازن می‌زنند. توازن از دو طریق افزایش قابلیت‌های درونی و یا اتحادهای بیرونی امکان پذیر است. یک گزینه دیگر پیش رو، روی آوردن دولت تهدید شونده به ترکیبی از راه‌های درونی و برونی جهت افزایش قابلیت‌های نسبی خویش است. استفان والت با نقد نظریه توازن قدرت رئالیستی آغاز می‌کند در نظریه والت افزایش صرف قدرت یک دولت به تهدید امنیتی برای دیگر دولت‌های درون سیستم ترجمه نمی‌شود، بلکه دریافت تهدید ناشی از عواملی چون میزان نسبی مجاورت جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی، مقاصد و نیات تجاوزگرایانه دیگر دولت‌هاست. استفان والت شکل گیری اتحادها را در پاسخ به تهدیدات متمرکز توضیح می‌دهد.(کریفیتس، ۱۳۹۰)

نظریه توازن تهدید استفان والت بعنوان بهترین الگو جهت توضیح شکل گیری و دگرگونی این اتحادها در خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم کارایی خویش را نشان داده است. او معتقد است که ایدئولوژی بیش از آنکه مولد همکاری بین المللی باشد عامل تشدید افتراق بین المللی است. مساعدت‌های خارجی نیز فاقد یک اثر مستقل در شکل گیری اتحادها هستند، اتحادها بعنوان ترتیبات رسمی یا غیر رسمی در همکاری‌های امنیتی دولت‌ها متأثر از ایدئولوژی و مساعدت‌ها و یا نفوذاند اما این عوامل فاقد یک نقش تعیین کننده در شکل گیری یک اتحاد اند. ایدئولوژی در ساختار اتحادها یک عامل شکننده است، اتحادهای ایدئولوژیک چندان پایدار نخواهند ماند و همواره در میزان تعهد بازیگران به این اتحادها اغراق می‌شود، در خصوص رفتار دولت‌ها در پاسخ به تهدیدات دولت‌ها رفتار موازنه و گاهی نیز رفتار دنباله روی را برخواهند گزید، در دنباله روی دولت تهدید شونده با منبع خطر که میزانی از تجمع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قابلیت‌های تهاجمی و مقاصد تجاوزگرایانه را دارد متحد خواهد شد، چنین اقدامی بعنوان پاسخ به تهدید به عواملی چون عدم دسترسی دولت تهدید شونده به اتحادها نیز بستگی دارد.(والتز، ۱۳۹۲)

در این وضعیت دولت تهدید شونده باید به مراتب ضعیف‌تر و فاقد این امکان باشد که با توسل به ائتلاف یا اتحادهای دیگر بتواند بر وزن و وجه خویش بیفزاید اما هنوز دنباله روی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

می‌تواند از خشم دولت تهدیدآمیز بکاهد. در واقع عدم دسترسی به اتحادها دولت ضعیف‌تر را ناگزیر از گزینش دنباله روی خواهد کرد. بعلاوه در زمان جنگ رفتار دنباله روی بیش از زمان صلح امکان وقوع دارد. در زمان صلح دولت‌ها پاسخ موازنه را در جهت بازدارندگی در برابر تهدید و یا حرکتی به سمت جنگ جهت شکست و رفع تهدید رشد یابنده برگزینند. در این میان ایدئولوژی‌های مشابه به امکان اتحاد دولت‌ها کمک می‌کند همچنان که ایدئولوژی‌های متعارض می‌توانند عامل تشدید افتراق شوند اما این ایدئولوژی‌های مشابه و یا وحدت بخش هرگز نمی‌توانند سبب شکل گیری یک اتحاد فراملیتی شوند. در این میان علاوه بر عوامل سیستمی به نوع دولت‌ها نیز توجه می‌شود، دولت‌های مجرد یعنی پادشاهی‌ها و یا لیبرال‌ها نمی‌توانند تهدیدات ایدئولوژیکی علیه یکدیگر طرح کنند. اتحادهای مبتنی بر ایدئولوژی هنگامی که پای منافع عمل گرایانه به میان کشیده شود نمی‌توانند باقی بمانند و یا به گونه‌ای مؤثر عمل کنند. کمک‌های نظامی و یا اقتصادی می‌توانند به ایجاد اتحادها کمک کنند چراکه حکایت از مقاصد مطلوب و دوستانه دولت‌ها دارند. این کمک‌ها سبب سیاست‌های قدر شناسانه گیرنده کمک‌ها نسبت به اهدا کننده خواهد شد.کمک‌های خارجی به مساعدت کننده اهرم عمل قویی می‌دهد به ویژه اگر کالای مربوطه بعنوان یک انحصار برای اهدا کننده مطرح باشد و گیرنده نیاز مبرمی به آن کالا داشته باشد یا اینکه انگیزش نامتقارنی در رد و بدل شدن آن کالای انحصاری داشته باشد. دولت‌ها علاوه بر این موارد از نفوذشان جهت دست کاری سیستم سیاسی یک دولت دیگر استفاده می‌کنند. این امر ممکن است از طریق لابی گری و یا نفوذ در مقامات رسمی یک دولت انجام گیرد. استفان والت جهت درک سیاست بین الملل به ابتکاراتی دست زده است که به بسط نظریه نورئالیسم انجامیده است و به طور قابل توجهی از محدودیت‌های رئالیسم کاسته است.

استفان والت در این راستا به نقش انقلاب‌ها در تاثیرگذاری بر دریافت تهدید متمرکز شده است، والت این مساله را مورد بررسی قرار داده است که انقلاب‌ها بر توزیع تهدید در سیستم تاثیری شگرف دارند، انقلاب‌ها بر فهم مقاصد و باور بازیگران در درون سیستم بین المللی تأثیر می‌گذارند و در حالی که باورها در مورد مقاصد دیگر دولت‌ها و به ویژه قابلیت آنها برای صدمه زدن نقش مهمی در رفتار دولت‌ها نسبت به هم ایفا می‌نماید، انقلاب‌ها سبب تشدید سوءظن دولت انقلابی نسبت به محیط و دولت‌های دیگر نسبت به دولت انقلابی می‌شوند،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

والت که انقلاب‌ها را در ارتباط با سیستم آنارشیک بین المللی مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر سطح سیستمی به سطح واحد نیز توجه نموده است. در درون سیستم آنارشیک بین المللی که رفتار دولت‌ها متأثر از تهدیدات دریافت شده امنیتی است انقلاب‌ها سبب تضعیف قابلیت‌های دولت انقلابی نسبت به دیگر دولت‌ها می‌شوند، این تضعیف نسبی قابلیت‌ها یک پنجره فرصت برای دیگر دولت‌ها فراهم می‌نماید، دیگر دولت‌ها در سیستم ممکن است از موضع ضعیف شده دولت انقلابی جهت افزایش قدرت نسبی‌شان استفاده کنند، لذا ممکن است دولت‌های انقلابی محیط بین المللی را مخاطره آمیزتر دریابند. دولت‌های انقلابی سبب روی کار آمدن نخبگان رادیکال می‌شوند و طبیعتاً چنین تحولی برای رژیم‌های کهن مجاور خطرناک و تهدید آمیز است این بدبینی سبب می‌شود که این دولت‌ها تصویر ذهنی مبتنی بر سوءظن نسبت به مقاصد و اقدامات دیگر دولت‌ها ترسیم نمایند برای مثال، هنگامی که دیگر دولت‌ها از لحاظ سیاسی و ایدئولوژی مخالف انقلابند، دولت‌های انقلابی دست به پاکسازی بوروکراتیک و دیپلماتیک در سیاست خارجی می‌زنند همانطور که دیگر دولت‌ها محتملا در دیدگاهشان نسبت به دولت انقلابی تجدید نظر می‌کنند و دست به اقدامات تدافعی و بازدارنده می‌زنند. این واکنش‌های تدافعی در برابر دولت‌های انقلابی متأثر از ایدئولوژی‌های سیاسی رایج و یا تجارب تاریخی است. .(Walt,1985: 5)

نورئالیسم شماری از عوامل بی‌ثبات کننده را در سیستم بین المللی نادیده گرفته است از قبیل ملی گرایی، جنبش‌های اجتماعی فراملیتی، برداشت و سوءبرداشت رهبران ملی. اما رهیافتی که استفان والت در چارچوب نورئالیسم ارائه داده است نقش این عوامل را مورد توجه قرار داده است. در ادامه از چشم انداز والت به بررسی ابعاد و پیامدهای نفوذ ایالات متحده در ایران در فاصله ۱۹۵۳ الی ۱۹۷۹ پرداخته خواهد شد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به ابعاد و پیامدهای نفوذ ایالات متحده در ایران از ۱۹۵۳ الی ۱۹۷۹ متمرکز است.آمریکا پرنفوذترین دولت خارجی در دوره زمانی مذکور در ایران بوده است، نفوذی که با انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، به فروپاشی رسید. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که نفوذ آمریکا در ایران چه ابعادی داشته و چه پیامدهایی برجای گذاشته است؟ در همین راستا

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

فرضیه این پژوهش بر این پایه استوار است که نفوذ ایالات متحده در ایران در فاصله ۱۹۵۳ الی ۱۹۷۹ ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی داشته و کاهش حسن ظن اولیه مردم ایران نسبت به امریکا و مواضعش در ایران و نقش بستن تصویری از یک رژیم دنباله‌رو و وابسته در اذهان عمومی از پیامدهای حضور امریکا در ایران بوده است. در همین راستا بنظر می‌رسد تئوری موازنه تهدید[1] بیش از دیگر نظریات توانایی تبیین ابعاد و پیامدهای نفوذ ایالات متحده در ایران را داشته باشد.

پژوهش حاضر روند یک تغییر را در برش خاصی از تاریخ معاصر ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و لذا ماهیتاً یک پژوهش تاریخی است. هدف از انجام پژوهش‌های تاریخی به کاربردن داده‌های مربوط به واقعیت‌های گذشته و تفسیر و تحلیل آنها جهت پی‌بردن به عوامل مؤثر در بروز وقایعی که در گذشته رخ داده و شناخت بهتر رویدادهای زمان حال است. پژوهش تاریخی وقتی آغاز می‌شود که واقعه یا تجربه‌ای در گذشته و یا رابطه چند متغیر در گذشته مورد سؤال باشد. با این‌حال نتایج پژوهش‌های تاریخی غالباً به روشن شدن وضعیتی در حال و اخذ تصمیمات بهتر در آینده کمک می‌کند. اما باید به این نکته توجه داشت که پژوهش تاریخی با مطالعه منابع مربوط به گذشته و بازگویی و توصیف صرف رویدادهای تاریخی متفاوت است. هدف از انجام پژوهش تاریخی کشف و تولید دانش جدید است، نه بازگویی دانش موجود. به‌عبارت دیگر پژوهش تاریخی برای پاسخ‌گویی به یک سؤال و بررسی یک فرضیه انجام می‌شود. همانطور که اشاره شد، به‌لحاظ سنتی مطالعات تاریخی عمدتاً مطالعاتی کیفی به‌شمار رفته‌اند. در پژوهش حاضر هم در گردآوری داده‌های تحقیق و هم در تبیین وتحلیل داده‌ها از روش‌های پژوهش کیفی بهره برده شده است. بر این اساس هم داده‌های مأخوذ از منابع کتابخانه‌ای (شامل کتب، مقالات، اسناد، خاطرات و...) و منابع اینترنتی (شامل مطالب موجود در سایت‌ها و مجلات الکترونیکی تاریخ پژوهی و اسناد موجود در آرشیوهای الکترونیکی و...) جهت انجام تحلیل‌های کیفی در قسمت‌های مختلف پژوهش حاضر و برای کشف روابط میان متغیرهای تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای انجام تحلیل کیفی در پژوهش حاضر از روش‌های توصیفی- تحلیلی استفاده می‌شود.

1. Balance of Threat Perception

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

۳ـ پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی کتب و مقالاتی که نزدیک به این موضوع نگاشته شده‌اند می‌پردازیم:

یرواند ابراهامیان در کتاب **ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی** تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در سال‌های مابین انقلاب مشروطه تا پایان سلطنت پهلوی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وجه مشخصه و ممیزه کتاب جامعیت آن است که در مقایسه با سایر کتب تاریخ معاصر ایران دوره نسبتاً طولانی را دربرمی-گیرد و سراسر دوران پهلوی را پوشش می‌دهد.

محمد علی موحد در اثر پژوهشی و ارزشمند خود **خواب آشفته نفت** به تشریح زوایای مناقشه نفت و نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران می‌پردازد. وی با ذکر سند و به شکلی جامع و کامل، در عین ارائه تحلیل‌ها و دیدگاههای خود غرض‌ورزی و تعصب را کنار گذارده و تا حد امکان از آفت‌های تاریخ نگاری‌های معاصر در ایران دوری می‌گزیند

روح الله رمضانی در زمره نخستین تحلیلگرانی است که برای تدوین یک چهارچوب نظری مناسب برای تبیین سیاست خارجی ایران تلاش کرده است. وی در کتاب **چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران** به معرفی و کاربست نظریه «تعامل سه جانبه پویا» برای تبیین سیاست خارجی ایران می‌پردازد.

حسن فراهانی نیز در مقاله **دکترین نیکسون و پیامدهای آن در ایران** در فصلنامه مطالعات تاریخی روابط ایران و آمریکا را به‌طور اخص از منظر تعاملات نظامی و امنیتی به ویژه در دهه پایانی سلطنت پهلوی (۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹) یعنی دوران اوج رابطه نظامی امنیتی ایران و آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهد.

داوود اصفهانیان و محمد ولی پور در مقاله **ظهور آمریکا و زمینه‌های نفوذ تدریجی آن در عرصه سیاسی ایران** در فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام رابطه ایران و آمریکا از ابتدا تا آغاز جنگ سرد و تغییر رویکرد آن در قبال ایران از یک رابطه فرهنگی- اقتصادی - اجتماعی به یک رویکرد سلطه‌طلبانه و مغرضانه را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در کتاب , Foreign Relations of Iran: Developing State in a Zone of Great Pow-er Conflict سپهر ذبیح و شهرام چوبین روابط خارجی ایران را در دوران پهلوی دوم با در نظر گرفتن شرایط بین المللی آن هنگام مورد بررسی قرار می‌دهند البته بسیاری از خوانندگان بر این عقیده‌اند که هر دو نویسنده رویکردی جانبدارانه نسبت به محمدرضا شاه در این کتاب

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

اتخاذ کرده‌اند.

مهران کامروا مدیر مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی در دانشگاه جرج تاون آمریکا در قطر در کتاب ریشه‌های انقلاب ایران Revolution in Iran; Roots of Turmoil به تحلیل دقیق و جزیی حوادثی می‌پردازد که به وقوع انقلاب اسلامی در ایران منتهی شدند.

منابع مذکور هرکدام بر رویدادهایی خاص متمرکز شده‌اند. برخی عمدتاً مباحث اقتصادی و تأثیر نفت در کشمکش قدرت و نفوذ در ایران را مورد مطالعه قرار داده و برخی دیگر بر مباحث نظامی، امنیتی و جاسوسی تمرکز کرده‌اند. پاره‌ای از آنها نیز مباحث سیاسی را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. برخی از آنها سطح تحلیل خرد (داخلی) و برخی دیگر سطح کلان (بین‌المللی) را برگزیده‌اند. به عبارت دیگر برخی به تشریح تأثیر تحولات بین‌المللی پرداخته‌اند. با این حال منابع موجود در عین تکثر، به‌لحاظ جامعیت، تکثر موضوعی، روش تحقیق، دسته‌بندی مطالب و مباحث و نقص‌ها و اشکالاتی دارند ولی در پژوهش حاضر رویکردی جامع اتخاذ گردیده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۴- ابعاد نفوذ امریکا در ایران

۴-۱- نفوذ سیاسی ایالات متحده در ایران

بطور کلی تا پیش از کودتای ۱۹۵۳ بر علیه دولت ملی گرای مصدق، ایالات متحده در چندین بحران مهم منافعش اقتضا نموده بود که از مواضع ایران حمایت کند، از جمله این که در طول اشغال ایران توسط قوای شوروی و انگلستان اگرچه ایالات متحده نیز خود ۳۰ هزار نیروی نظامی را وارد حریم حاکمیت ایران نمود اما مواضعی اتخاذ نمود که شوروی و انگلستان را به اقرار به تضمین استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران وادار نماید. در زمینه خروج قوای متفقین از خاک ایران نیز ایالات متحده که به نیروهای بیشتر در حوزه خاور دور نیاز داشت در تخلیه ایران پیش دستی کرد تا شوروی را در موضعی قرار دهد که ناگزیر از ترک ایران شود و در جریان مذاکرات سه قدرت بزرگ در خصوص ایران نیز ایالات متحده سعی داشت شوروی را وادار به ترک ایران کند، در بحران آذربایجان نیز ایالات متحده به وضوح با مواضع شوروی مخالفت نمود و از طرح مساله ایران در شورای امنیت حمایت کرد گرچه این حمایت‌ها در راستای منافع ملی ایالات متحده در کانتکس آغاز و شدت گیری

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

رقابت‌های امنیتی دو ابرقدرت قابل درک است بدین ترتیب بطور فزاینده‌ای از ۱۹٤۱ به بعد روابط سیاسی ایران و ایالات متحده رو به گسترش گذاشت. (ازغندی،۱۳۸۸: ۹۸).

گرچه همانگونه که توضیح داده شد تا ملی شدن صنعت نفت در ایران، نفوذ بریتانیا بسیار گسترده بود اما به تدریج توام با افول جهانی امپراطوری بریتانیا و رشد ایالات متحده و درپی تحولات درونی ایران و منطقه ایی خاورمیانه و هم چنین آغاز جنگ سرد، نفوذ سیاسی ایالات متحده در ایران رو به رشد گذاشت، کودتای ۱۹۵۳ نیز که با همکاری انگلستان و ایالات متحده بر علیه نخست وزیری مصدق روی داد سبب بازگشت شاه به قدرت شد. شاه پس از آن بیش از گذشته به ایالات متحده نزدیک شد. کودتای ۱۹۵۳ شاه را به مسند قدرت سیاسی در ایران بازگرداند اما نفوذ از دست رفته بریتانیا را در ایران احیا نکرد بلکه این ایالات متحده بود که رفته رفته به پرنفوذترین قدرت خارجی در ایران تبدیل می‌شد. شاه پس از کودتای ۱۹۵۳، پس از سرنگونی مصدق و سرکوب نیروهای مخالف، سیاست موازنه مثبت را در پیش گرفت که به معنای تعهد و اتحاد با ایالات متحده بود.

۴-۲- نفوذ اقتصادی ایالات متحده در ایران

۴-۲-۱- نفوذ اقتصادی ایالات متحده در ایران در پرتو فعالیت‌های نفتی

اگرچه ملی‌شدن نفت و صنایع نفت ایران مورد پذیرش طرف‌های خارجی قرار گرفت، ولی دولت ایران تضمین می‌کرد که تا ۲۵ سال نفت تولیدی را به شرکت‌های عضو کنسرسیوم (آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی) بفروشد. از سال ۱۹٦۰ تولید نفت ایران بطرز چشمگیری رو به افزایش گذاشت. در سال ۱۹٦۱ ایران روزانه ۱۲۰۰۰۰۰بشکه نفت خام تولید می‌کرد. روند افزایش تولید نفت ایران در سال ۱۹۷٤ به نقطه اوج خود رسید. در سال ۱۹۷٤ ایران روزانه ٦ میلیون بشکه نفت خام تولید می‌کرد، در این سال سهم نفت از تولید ناخالص ملی کشور به ٤۷ درصد افزایش یافته بود. (ازغندی، ۱۳۸۸: ۳۱۵)بخش چشمگیری از عایدات نفتی صرف خریدهای تسلیحاتی و صنعتی از ایالات متحده می‌شد. علاوه بر حوزه نفت قانون مصوب جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در ۲۸ نوامبر ۱۹۵۵ سرمایه گذاری‌های اقتصادی ایالات متحده را در ایران تسهیل کرد. فعالیت شرکتهای عمده خارجی در ایران عملاً از سال ۱۹۵۷ شروع شد. در این سال دو شرکت آمریکایی و فرانسوی تأسیس

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

شد. صنایع ماشین آلات و لوازم الکتریکی و غیرالکتریکی با ۳۷ مورد، بیشترین شرکتهای خارجی فعال در ایران بودند و صنایع شیمیایی و دارویی و وسایط نقلیه و لوازم حمل و نقل به ترتیب در مرتبه‌های دوم و سوم قرار داشتند.(متقی، ۱۳۹۲).

۴-۲-۲- نفوذ اقتصادی ایالات متحده در ایران در پرتو مساعدت‌های مالی

پس از آنکه شاه در پی کودتای ۱۹۵۳ با مشارکت و پشتیبانی امنیتی، مالی و اطلاعاتی آمریکا دوباره به قدرت بازگشت، بلافاصله کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکا به شاه از سرگرفته شد. آمریکا اولین کشوری بود که بعد از جنگ دوم جهانی در ایران وارد سرمایه گذاری مستقیم گردید. فعالیت شرکتهای بزرگ آمریکایی تا پایان دوره حکومت پهلوی همچنان در صدر شرکتهای خارجی در ایران باقی مانده است. از ۱۹٥٤ بررسی ماهیت این سرمایه گذاری‌ها نشان می‌دهد که، همسو با اهداف صنعتی دولت، سرمایه گذاری این شرکت‌ها نیز در جهت تأمین تولید داخلی به منظور پاسخگویی به مصرف داخلی و جایگزینی واردات بوده است.

بخش وسیعی از نفوذ اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده در ایران به گسترش فعالیت‌های ذیل اصل چهار ترومن مربوط است. در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی زمینه برای افزایش کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا به ایران فراهم شد. به همان‌گونه‌ای که آمریکا در چارچوب طرح مارشال به کشورهای اروپای غربی کمک اقتصادی می‌کرد، چنین اقدامی در ارتباط با ایران و کشورهای منطقه‌ای را نیز در چارچوب «اصل ٤ ترومن» به انجام می‌رساند. دولت ترومن قصد داشت با امضای این قرارداد، از طریق کمک‌های فنی، به مقصد اصلی خود از طرح اصل چهار که همان ایجاد پایگاهی محکم برای دیپلماسی آمریکا در ایران بود، برسد و به این ترتیب از نفوذ کمونیسم در ایران جلوگیری کند.

شکل دیگری از کمک‌های اقتصادی آمریکا به ایران مربوط به سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد به سرمایه گذاری برای احیای تولید و صادرات نفت ایران متمرکز بود. در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ محدودیت‌های اقتصادی فراگیری برای فروش نفت ایران ایجاد شد. به‌عبارت دیگر، دولت انگلیس شکل خاصی از سیاست تحریم اقتصادی را در رابطه با ایران طرح‌ریزی کرده و به مرحله اجرا درآورد. چنین محدودیت‌هایی منجر به افزایش تورم و رکود اقتصادی در ایران شد. در خصوص اهمیت مساعدت‌های مالی و همکاری‌های اقتصادی آمریکا با

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

ایران برای تقویت موضع شاه لازم به ذکر است که برخی از پژوهشگران بر این اعتقادند که اگر تحریم اقتصادی جهان غرب علیه دولت مصدق اعمال نمی‌شد در آن شرایط امکان شکل‌گیری کودتا و موفقیت آن بسیار بعید به‌نظر می‌رسید. به عبارتی دیگر همکاری‌های اقتصادی آمریکا با ایران اهداف سیاسی و امنیتی حفظ و افزایش نفوذ در ساختار سیاسی ایران را دنبال می‌کرد. در اولین ماه‌های بعد از کودتای نظامی علیه دولت مصدق، دولت آمریکا مبادرت به اعطای ٤٥ میلیون دلار کمک هزینه اقتصادی به دولت زاهدی کرد. به‌عبارت دیگر کمک‌های اعطاشده که ماهیت اضطراری و فوق‌العاده داشت، برای موفقیت دولت زاهدی اختصاص پیدا کرده بود، دولتی که در جهت سطه سیاسی شاه بر کشور عمل می‌کرد. (ازغندی، ۱۳۸۸: ۳۱۵)

در این شرایط بود که زمینه برای تبادل یادداشت اقتصادی جدیدی بین ایران و آمریکا در جهت اعطای نیازهای اضطراری و موقت در چارچوب اعطای مواد غذایی رایگان فراهم شد. در این ارتباط سایر کمک‌های اقتصادی آمریکا در قالب وام‌های کوتاه‌مدت تنظیم و اعطا می‌شد. همکاری‌های اقتصادی جدید ایران و آمریکا در سال‌های دهه ۱۹٦۰ گسترش داده شد. در این مقطع زمانی دولت ایران تلاش داشت تا شکل جدیدی از فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم و سازماندهی کند. عضویت ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت موسوم به اوپک و همچنین گسترش همکاری‌های امنیتی با اسرائیل را باید به‌عنوان زمینه‌های اعطای کمک‌های اقتصادی جدید آمریکا برای توسعه راهبردی در ایران دانست. در همین راستا است که محمدرضا شاه در آوریل ۱۹٦۲ سفری را به ایالات متحده انجام می‌دهد. سفر شاه و تیم همراه به آمریکا در سال۱۹٦۲را باید به عنوان پذیرش برنامه توسعه اقتصادی ایران در چارچوب طرح اتحاد برای پیشرفت دانست. چنین طرحی در سال ۱۹٦۱ از سوی دولت کندی تنظیم شده و زمینه‌ساز انجام اقدامات بنیادین در ساختار اقتصادی کشورهایی همانند ایران شد. در سال ۱۹٦۲ که شاه سفری به آمریکا داشت، در طول آن سفر اهداف عمومی برنامه سوم توسعه اقتصادی ایران توسط شاه برای مقامات آمریکایی تبیین شد. چنین برنامه‌ای با اهداف عمومی دولت آمریکا که معطوف به گذار ایران از جامعه سنتی بود، انطباق داشت.

در آن دوره والت روستو به‌عنوان مشاور اقتصادی کندی در کاخ سفید ایفای نقش می‌کرد. روستو تلاش داشت تا شکل جدیدی از موافقتنامه اقتصادی بین آمریکا و کشورهای در حال

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

توسعه را فراهم آورد. هدف اصلی والت روستو را باید فرآیندی دانست که منجر به شهری شدن، صنعتی شدن و سکولار شدن کشورهای در حال توسعه می‌شد. مقامات اقتصادی آمریکا بر این اعتقاد بودند که همکاری‌های فنی و اقتصادی با ایران منجر به توسعه اقتصادی ایران شده و این امر مانع از گسترش جنبش‌های اجتماعی سوسیالیستی در ایران خواهد شد و نیروهای طرفدار مدرنیته غربی را در ایران گسترش خواهد داد.

آخرین مرحله همکاری‌های اقتصادی آمریکا و ایران را باید در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور مورد ملاحظه قرار داد. یادداشت تفاهم همکاری‌های فنی و اقتصادی ایران و آمریکا در ۲۹ اکتبر ۱۹۷٤، به مرحله اجرا درآمد. در آن هنگام هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده بوده و جرالد فورد به عنوان رئیس‌جمهوری حزب جمهوریخواه جانشین ریچارد نیکسون شد. چنین سطحی از همکاری‌های اقتصادی را باید به‌عنوان بخش مکمل همکاری‌های راهبردی ایران و آمریکا در چارچوب قرارداد امنیتی ۱۹۵۹ و همچنین پیمان سنتو دانست(متقی، ۱۳۹۲).

کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آمریکا در نوامبر ۱۹۷٤ به‌منظور گسترش و تحکیم همکاری‌های متقابل شکل گرفت. این کمیسیون یک سقف ۱۵ میلیارد دلاری برای مبادلات غیرنفتی را سازماندهی کرد. در این زمینه همچنین طرح‌هایی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی در زمینه ایجاد نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت هشت هزار مگاوات و همچنین ایجاد تاسیسات آب شیرین‌کن و تاسیسات الکترونیکی منعقد شد. پیشرفت اساسی در خصوص چنین همکاری‌هایی از طریق مبادله کارشناسان فنی انجام گرفت. چنین موافقتنامه‌ای را باید به عنوان تلاش سازمان یافته آمریکا در جهت توسعه اقتصاد سرمایه‌داری در ایران تلقی کرد. موضوع مربوط به انرژی، بزرگراه‌های ارتباطی و همچنین توسعه علوم پایه در حوزه اقیانوس‌شناسی، لرزه‌نگاری، زمین‌شناسی و بررسی‌های معدنی نیز در دستور کار قرار گرفت. چنین فرآیندی را باید به‌عنوان تداوم نفوذ آمریکا در عرصه‌های اقتصادی ایران دانست. ابتکار ایجاد این کمیسیون هم چنین متأثر از افزایش در آمد نفت ایران بود. درآمد ایران از فروش نفت که تا قبل از بحران انرژی حدود دو میلیارد دلار بود، در سال ۱۳۵۳ به حدود بیست میلیارد دلار افزایش می‌یابد و در سال ۱۳۵٤ با قدری کاهش به بیش از نوزده میلیارد دلار می‌رسد. (ازغندی، ۱۳۸۸: ۳۱۵). با افزایش قیمت نفت، حجم فعالیت‌های اقتصادی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

ایران با کشورهایی چون آمریکا نیز افزایش یافته و کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و آمریکا، متأثر از این افزایش درآمد بود که این کمیسیون جهت بررسی فعالیت‌های اقتصادی دو کشور تشکیل شد. اما علیرغم افزایش حجم فعالیت‌ها، تغییر چندانی در تراز تجاری اقتصادی رژیم با سایر کشورها از جمله آمریکا به وجود نیامد و موازنه اقتصادی با آمریکا همچنان به سود این کشور باقی ماند. بدین معنا که آمریکا علیرغم آن که بخش عظیمی از نیازهای نفتی خود را از طریق ایران تأمین می‌کرد، اما با صادرات فراوان خود به کشور، توانسته بود تراز تجاری را به نفع خود رقم بزند تا جایی که بنا بر اعلام وزارت امورخارجه، در اسفند سال ۱۳۵٦ حجم مبادلات ایران و آمریکا، طی ده سال پانزده برابر شد، که اوج نفوذ ایالات متحده در زمینه تجاری و بازرگانی ایران را نشان می‌دهد.

۴-۳- نفوذ امنیتی نظامی ایالات متحده در ایران

۴-۳-۱- شکل گیری ساواک

از ۱۹۵۳ سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در ایران فعال‌تر شدند و آمریکا نقشی محوری در شکل دادن به تشکیلات نظامی و آموزش‌های نظامی در ایران یافت(ازغندی، ۱۳۸۸: ۲٦۹).

در دسامبر ۱۹۵٦، شاه و حکومتش تصمیم گرفت که یک سازمان اطلاعاتی امنیتی جدید ایجاد کند. ساواک یا سازمان اطلاعات امنیت کشور، در اوایل ۱۹۵۷ تأسیس شد و از طرف مجلس اختیارات خاصی به آن داده شد. سیا و موساد نقشی هدایت کننده در شکل گیری ساختار سازمانی ساواک داشتند. در جهت حفظ امنیت داخلی، ساواک با هدف تمرکز و رصد فعالیت گروههای مخالف از قبیل حزب توده و نهضت ملی طراحی شد. همزمان این سازمان در ارتباط با سیا و موساد در زمینه تحولات منطقه‌ای نیز به رصد اطلاعات سری می‌پرداخت. شاه در این باره انگیزه تدارک این نهاد را نبرد با اشاعه کمونیسم می‌خواند. که به مثابه بزرگترین تهدید برای ایران از آن یاد می‌کرد.(لطفیان، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

پس از تأسیس ساواک، گام بعدی سیا آموزش نیروهای اطلاعاتی ـ امنیتی و جاسوسی این سازمان جدید بود. به زودی کارشناسان و آموزشگران سیا به ایران گسیل شدند تا نیروهای ساواک را آموزش دهند.

در میان آموزش‌های سیا، چگونگی برخورد اطلاعاتی ـ جاسوسی با کا.گ.ب و نیروهای

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

پیدا و پنهان آن در ایران اهمیت بیشتری داشت. ساواک در واقع رفته رفته دامنه فعالیت‌هایش را به بیرون از مرزهای ایران نیز گسترش داد، و رسماً این سازمان با دو بخش داخلی و خارجی در همکاری با سرویس‌های امنیتی اطلاعاتی آمریکا و اسراییل به پردازش اطلاعات سری در خصوص تهدیداتی پرداخت که از درون و از بیرون متوجه امنیت و ثبات نظام پادشاهی ایران بود.

سازمان CIA و ساواک در بسیاری از موارد مبادله اطلاعات می‌نمودند. سازمان CIA به ساواک اطلاعات قابل توجهی در مورد کشورهای منطقه ارائه می‌داد که شامل نقش اتحاد شوروی در افغانستان و کشورهای عربی بود. علاوه بر آن، اطلاعات آزمایش موشکهای شوروی و دیگر فعالیت‌های نظامی شوروی در منطقه شمال ایران از طریق پست استراق سمع CIA که در سال ۱۹۵۷ تأسیس گردیده بود، به اطلاع ایران می‌رسید. علاوه بر آن CIA اطلاعات زیادی مربوط به حزب توده را در درهه ۱۹۵۰و اوایل دهه ۱۹۶۰ در اختیار ایران قرار می‌داد.

با تأسیس پایگاههای جاسوسی و استراق سمع سیا در مناطق شمالی ایران، فعالیت‌های سیا در ایران گسترش یافت و مأموران سیا وارد ایران شدند. برخی گزارشات حاکی است که ایران بیشترین مأموران و جاسوسان سیا را در خود جای داده بود.

در همان حال ایران استراتژیک‌ترین منطقه‌ای محسوب می‌شد که امریکا و سیا برای کنترل امور اطلاعاتی ـ جاسوسی شوروی در سراسر جهان در اختیار داشت. مهم‌ترین پایگاههای جاسوسی سیا در شمال ایران در صفی‌آباد بهشهر، کبکان خراسان و پارس‌آباد مغان قرار داشت که مجهز به پیشرفته‌ترین تجهیزات و دستگاههای اطلاعاتی ـ جاسوسی آن روزگار بود.

۴-۳-۲-فروش‌های نظامی

از برجسته‌ترین مشخصه‌های روابط خارجی ایران در فاصله سالهای ۱۹۵۳ الی ۱۹۷۹، تشدید فروش تسلیحات مدرن نظامی از ایالات متحده به ایران است. که ایران را از یک خریدار خرد تسلیحات از ایالات متحده به شریکی بزرگ در این زمینه برای ایالات متحده تبدیل کرد به گونه ایکه در ۱۹۷۱ ایران به بزرگترین خریدار تسلیحات از ایالات متحده تبدیل شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

۴-۳-۳- نفوذ امنیتی نظامی ایالات متحده در ایران در پرتوهمکاری‌های هسته‌ای

در ۵ مارس ۱۹۵۷ موافقت نامهٔ همکاری بین دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی امضاء گردید.

طبق این موافقت‌نامه، کمیسیون انرژی اتمی آمریکا اورانیومی را که دارای مقدار زیاد ایزوتوپ یو ۲۳۵ (U-235) است به هر مقدار که به عنوان سوخت بدوی و علی‌البدل در به‌کار انداختن رآکتور تحقیقاتی لازم باشد، به دولت ایران واگذار خواهد نمود. کمیسیون همچنین مواد مورد لزوم ساختمان و کارکردن رآکتورهای تحقیقاتی در ایران را چنان‌چه در دسترس داشته باشد و تهیه آن در بازار میسر نباشد، به دولت ایران یا به اشخاص تحت اختیار قانونی آن فروخته یا به اجاره واگذار خواهد نمود.

ایران و آمریکا در سال ۱۹۷٤ نسبت به ایجاد یک کمیسیون مشترک با نیت تقویت همکاری در همهٔ زمینه‌ها از جمله همکاری در زمینهٔ علوم هسته‌ای به خصوص تولید انرژی هسته‌ای توافق نمودند. در همین زمان، قراردادی مقدماتی امضا شد که بر مبنای آن مقرر شد دولت آمریکا سوخت غنی شده برای رآکتورهای هسته‌ای قدرت را که قرار بود از جانب آمریکا برای ایران ساخته شود، فراهم نماید. همچنین بر اساس توافق به عمل آمده پیشنهاد شد که همکاری‌های هسته‌ای بین ایران و آمریکا به عنوان بخشی از برنامهٔ کمیسیون مشترک ایران و آمریکا بوده و انرژی هسته‌ای تحت سرپرستی ادارهٔ تحقیقات و توسعهٔ انرژی آمریکا قرار گیرد.

۴-۳-۴- نفوذ امنیتی نظامی ایالات متحده در ایران در پرتو همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای در پرتو پیمان بغداد

پس از آن که بحران مساله نفت بین ایران و انگلستان در پی کودتای ۱۹۵۳ به زعم ایالات متحده خاتمه یافت. ایالات متحده در رقابت با شوروی در تدارک یک نظام امنیت دسته جمعی در خاورمیانه برآمد. ایالات متحده از اولین سالهای جنگ سرد در جستجوی چگونگی دفاع از خاورمیانه در برابر شوروی برآمد، در این راستا بود که در سال ۱۹٤۷به ترکیه و یونان کمک نظامی کرد و آنها را ترغیب کرد که برای مقابله با خطر کمونیسم به ناتو بپیوندند.

در ۱۲ جانری ۱۹۵۵ عراق و ترکیه در خصوص یک پیمان دفاعی به توافق رسیدند. این پیمان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

در تاریخ ٢٤ فوریه ۱۹۵۵ در بغداد بین کشورهای ترکیه و عراق با عنوان پیمان همکاری دفاعی متقابل به امضا رسید و متعاقب آن انگلستان در ۳۰ مارس ۱۹۵۵، پاکستان در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ و ایران در ۱۱ اکتبر همان سال وارد پیمان بغداد شدند. این معاهده بروی دیگر دولت‌هایی که نگرانی‌های مشابه امنیتی داشتند باز باقی ماند. گرچه آمریکا رسماً و بطور کامل بدین پیمان نپیوست اما این ترتیبات امنیتی به مثابه نظامی از ائتلاف‌های آمریکایی در خاورمیانه شناخته شد که نشانه‌ای آشکار از جایگزینی فزاینده نفوذ بریتانیا با نفوذ آمریکا در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بود که بشدت متأثر از ترس از نیات و مقاصد تهاجمی شوروی بود. سازمان پیمان مرکزی حلقه واسط نظام دفاعی غرب بود، و ناتو و سیتو را به هم پیوند می‌داد. پس از الحاق ایران به پیمان بغداد، چون تجهیزات و جهازات جنگی کشورهای عضو پیمان می‌بایست یکسان می‌شد، تغییرات دامنه داری در ارتش ایران داده شد و سازمان جدیدی تحت نظر و مشورت مستشاران نظامی امریکایی پی ریزی گردید.

بدیهی است که هدف اصلی پیمان سنتو حفاظت از متحدین آمریکا در خاورمیانه در رقابت با شوروی و هم پیمانانش بود، حفاظت از حوزه‌هایی که در کشمکش بین شرق و غرب در تسلط انگلیس و امریکا قرارداشت و واشنگتن که بطور فزاینده جایگزین بریتانیا در امور منطقه‌ای می‌شد، در صدد ممانعت از غلبه نفوذ شوروی بر این حوزه‌های استراتژیک خاورمیانه بود. بدین ترتیب مشخص بود که این پیمان و فعالیت گروههای مختلف آن در راستای پاسخ یه ترس از گسترش نفوذ شوروی قرار دارد.

۴-۳-۵- نفوذ امنیتی نظامی ایالات متحده در ایران در پرتو سیاست دو ستونی نیکسون

ایالات متحده به این جمع بندی رسیده بود که بهترین شیوه ممکن برای حفاظت از امنیت خلیج فارس، نقش بیشتر ایران و عربستان در منطقه است. این ایده در وزارت خارجه به عنوان سیاست دو ستونی مطرح و شناخته شد. ایران و عربستان متحدین غرب در خلیج فارس محسوب می‌شدند و قدرت‌هایی منطقه‌ای بودند که قابلیت‌هایی برای ایفای نقشی بزرگتر در امور امنیتی خلیج فارس داشتند. ایران در آن هنگام یک ارتش ۱۵۰ هزار نفری داشت و نیروی هوایی و نیروی دریایی‌اش نیز در حال رشد بود. از طرفی عربستان سعودی تنها ۳۰ هزار نیروی نظامی داشت که اغلب آنها نیز برای مقاصد امنیت داخلی تدارک دیده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

شده بودند، عربستان در آن هنگام فاقد ناوگان دریایی بود و یک نیروی هوای ضعیف داشت. اما از طرفی دیگر عربستان درآمدهای بالایی در حوزه نفت داشت و نفوذی گسترده در میان امیرنشین‌های عربی خلیج فارس داشت. بنابراین ایالات متحده کارکردهایی متمایز برای این دو متحد در بطن دکترین سیاست دوستونی انتظار داشت. عربستان سعودی می‌توانست از نفوذش برای حفظ ثبات در خلیج فارس استفاده کند. اما ایران یک نقش برجسته‌تر نظامی را به مثابه یک قدرت دریایی و نیرویی بر علیه دشمنان منطقه‌ای، ایفا کند.

اینگونه ایران به عنوان ستون نظامی و عربستان سعودی به عنوان ستون غیرنظامی، استراتژی نیکسون در منطقه در نظر گرفته شدند. مهم‌ترین علل مربوط به انتخاب ایران به عنوان ستون نظامی استراتژی دو ستونی عبارت بودند از:

- مرزهای طولانی ایران و شوروی.
- عضویت ایران در «سنتو» که حلقه میانی پیمان‌های دفاعی زنجیره‌ای غرب در اطراف شوروی بود.
- موقعیت جغرافیایی ایران که بر سراسر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز تسلط ژئوپلیتیکی داشت.
- جمعیت زیاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه، به طوری که از ۵۵ میلیون جمعیت منطقه حدود ۳۵ میلیون نفر به ایران تعلق داشت.

بدین ترتیب، ایران مهمترین متحد استراتژیک آمریکا در خلیج فارس پس از خروج انگلیس از منطقه شرق سوئز به شمار می‌رفت. تخلیه نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، خلاء قدرتی در این منطقه بوجود آورد و سیاست آمریکا در آن زمان، پرکردن این خلاء با افزایش قدرت نظامی ایران در وهله اول و عربستان سعودی در مرحله بعد بود. در پوشش سیاست دو ستونی نیکسون نفوذ ایالات متحده بر ایران افزایش یافت. بطوریکه ذیل این سیاست حدود بیست میلیارد دلار از ابزارهای جنگی ساخت آمریکا به طرف ایران سوق داده شد، یعنی تقریباً برابر آنچه که در بیست سال پیش از آن فرستاده شده بود که ایران را به بزرگترین وارد کننده تسلیحات آمریکا در جهان تبدیل می‌نمود.

۵ ـ روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

انقلاب اسلامی موجب تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه و نظام امنیتی دو قطبی حاکم بر جهان شد و ایران را از صف حامیان ایالات متحده و بلوک غرب خارج ساخت.(خواجه سروی، بهرامی، ۱۳۹۳) جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام و ملل غیر متعهد و آزادی خواه، رهبری بلوک ضد سلطه و ضد دیکتاتوری بین المللی را برعهده را بر عهده دارد.(اسدی، رضایی پناه، ۱۳۹۲) نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه از عمر آن می‌گذرد، بیانگر آن است که سطح روابط بین ایران و آمریکا از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است و طی این سال‌ها، ایالات متحده از حربه‌های گوناگون و بهانه‌های مختلف برای حضور در منطقه و اعمال نفوذ در ایران بهره برده است.(امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲) از نظر فرهنگی ـ تاریخی مداخلات قدرت‌های استعمارگر خارجی و حاکمیت حکومت‌های وابسته در ایران، به ویژه در سده‌های نوزدهم و بیستم،استقلال طلبی و استعمارزدایی را به هدف مشترک مردم ایران تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که یکی از اهداف بنیادی انقلاب اسلامی، استعمارزدایی، استقلال خواهی و نفی هرگونه وابستگی بوده است. می‌توان گفت هدف اصلی این آرمان تأمین نیازهای داخلی از طریق فرصت سازی منابع موجود و به حداقل رساندن وابستگی و در نهایت رسیدن به سطح بالایی از خودکفایی اقتصادی است. از این رو ایرانیان به طور جدی با آمریکا و آمریکایی شدن ایران مخالفند.(امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲)

در ایران پس از انقلاب اسلامی، فرهنگ و سیاست اسلام شیعی، فرهنگ معتبر جمهوری اسلامی شد و به عنوان اساسی‌ترین شاکله فرهنگ ملی مردم ایران به رفتار اجتماعی ـ سیاسی ایرانیان نیز جهت داده و همه وجوه زندگی آنان را پر کرده است. این فرهنگ اسلامی ـ شیعی و همچنین تجربه تاریخی که باعث شکل گیری عنصر استکبارستیزی شده است، غرب و آمریکا را به عنوان مهمترین دشمنان تعریف نموده است. (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۲)

از سوی دیگر در آمریکا نیز چهار رویکرد کلی در مواجهه با ایران در نظر گرفته شده است:رویکرد اول یا رویکرد سازش مبتنی بر برخورد نرم و عدم خشونت در مواجهه با ایران است. رویکرد دوم بر اقدام نظامی کلی و یا محدود تاکید می‌کند. رویکرد سوم رویکرد تغییر از درون است که فشار از داخل را به عنوان راهکار کلی مورد ملاحظه قرار داده است. در نهایت رویکرد چهارم بازدارندگی را مورد تاکید قرار می‌دهد که مهمترین گزینه راهبردی آن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

تکیه بر تحریم‌های بلند مدت است.(لب خنده، کریمی فرد، ۱۳۹۵) به طور کلی می‌توان هدف آمریکا از اعمال تحریم‌های اقتصادی را این گونه بیان کرد ۱ـ تلاش در جهت تغییر نظام در یک کشور؛ ۲ـ تغییر سیاست‌ها و یا تمایل به تاثیرگذاری در سیاست‌های یک کشور هدف؛ ۳ـ تنبیه و مجازات کشور هدف جهت نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف(علیخانی، ۱۳۸٤: ۳۹) مطالعات نشان می‌دهد که این تحریم‌ها اگرچه نتوانستند آمریکا را در نیل به اهداف خود، یعنی تغییر رژیم و حتی تغییر رفتار ایران موفق کنند(الیاس، ۲۰۱۰: ۳٤) اما هزینه‌هایی از نظر اقتصادی به ویژه در بخش‌های انرژی، سرمایه گذاری جدید و کمک فنی و نقل و انتقال فناوری به ایران تحمیل کرده است.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

نتیجه‌گیری

همکاری آمریکا با انگلستان برای بازگردانیدن شاه به قدرت در سال ۱۹۵۳، نقطه عطفی در درگیری عمیق کاخ سفید در امور ایران بود. فشارهای انگلیس بر دولت ملی‌گرای مصدق که در تقلای ریشه کن کردن نفوذ شبه استعماری انگلیس در ایران بود به نابسامانی‌های اقتصادی در کشور دامن زده بود و شرایط را برای گسترش نفوذ حزب توده فراهم کرده بود. ترس از قدرت گیری توده‌ای‌ها بر رغبت واشنگتن برای بازگردانیدن شاه افزود. متعاقب آن ایران به تلاش‌های غرب برای ایجاد یک حصار ضد کمونیستی در جوار مرزهای شوروی در خاورمیانه با پیوستن به پیمان بغداد پاسخ مثبت داد. ایران متعاقب آن بود که در سایه دکترین آیزنهاور کمک‌های نظامی قابل توجهی کسب نمود. سپس انقلاب عراق در جولای ۱۹۵۸، ترس از تکرار تجربه عراق بود که شاه و آمریکا را به سوی پیمان امنیتی دوجانبه سوق داد. که در آریش امنیتی خاورمیانه بر نفوذ آمریکا بر سیاست خارجی ایران افزود. در ۱۹۵۳ نیز از دلایل همکاری آمریکا با انگلیس بر علیه مصدق ترس از سقوط ایران بدست توده‌ای‌ها بود. بر همین اساس سرویس‌های اطلاعاتی غربی در سرکوب توده‌ای‌ها پس از ۱۹۵۳ نهایت همکاریشان را بکار بستند. در پی انقلاب عراق در ۱۹۵۸ شاه علاوه بر آنکه وارد پیمان دفاعی دوجانبه شد، حساسیتش نسبت به مخالفان مختلف درونی نیز بالا گرفت. از آغاز دهه ۱۹۶۰ ایران وارد دوره‌ای از تنش زدایی با شوروی شد، شاه در این هنگام اعلام کرد که سیاست موازنه مثبت را به سیاست مستقل ملی تغییر داده است. اما در واقع از این دوره در تاریخ ایران بعنوان دولت دست نشانده پهلوی یاد شده است که اوج نفوذ آمریکایی‌ها را در امور داخلی ایران تداعی می‌کند. در واقع اعلان سیاست مستقل ملی بیشتر به لفاظی در موضع گیری‌های کلان شاه شباهت داشت. در طول دهه ۱۹۶۰ نیز آمریکا قوی‌ترین متعهد امنیتی و پرنفوذترین بازیگر خارجی در ایران بود. در دهه بعدی یعنی ۱۹۷۰ نیز خروج انگلیس از شرق کانال سوئز و درگیری آمریکا در ویتنام و از طرفی اوج گیری قیمت نفت همگی زمینه را برای افزایش صادرات نظامی آمریکا به ایران فراهم کرد. در دهه ۱۹۷۰ نیکسون بر اعتماد بیشتر به نقش متحدین منطقه‌ای تاکید داشت که منطبق با جاه طلبی‌های شاه نیز بود. در طول این دو دهه نیز تقلای مخالفان درونی نیز علیه شاه ادامه یافت و به رغم تضعیف توده‌ای‌ها، نیروهای مذهبی قوتی بیشتر گرفته بودند، سرانجام نیروهای درونی مخالف شاه تا ۱۹۷۹ بر علیه پادشاهی کشور متحد شده و به رغم تداوم حمایت‌های آمریکا از شاه به سقوط

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

پادشاهی و فرار شاه از کشور انجامید. این در واقع دومین باری بود که شاه در اثر فشار و غلبه مخالفین درونی کشور را ترک می‌گفت. یکبار در ۱۹۵۳ که دگرباره با حمایت انگلیس و آمریکا در پی کودتایی که به سقوط ملی گرایان انجامید به قدرت بازگشته بود و در ۱۹۷۹ که کشور را به انقلابیون واگذار کرده و ترک کرده بود. با توجه به توضیحات قبلی و تبیینی که والت از پیامدهای انقلاب‌ها برای ائتلاف‌های بین المللی ارائه می‌دهد که در فصل دوم مرور شد روشن بود که در درجه اول پس از خروج شاه از کشور دگرباره ائتلاف مخالفان انقلابی شاه تجزیه شده و دستخوش افتراق شود و در بعد بیرونی اتحادها و ائتلاف‌های رژیم سابق دستخوش انتقال شوند. در نتیجه فروپاشی ائتلاف ایران و ایالات متحده به نفوذ آمریکا در درون ایران که در بطن این ائتلاف گسترش یافته بود به پایان رسید. انقلاب رژیم شاه را سرنگون کرد و ائتلاف ایران و آمریکا را در هم شکست. گرچه عوامل داخلی بر سیاست ایران انقلابی موثرتر شدند اما پس از انقلاب نیز موازنه تهدید رفتار بین المللی ایران را تبیین می‌کند. در واقع در گستره ژئوپلیتیکی خاورمیانه رخ دادیی که در ۱۹۷۹ در ایران به فروپاشی نفوذ غرب پایان داد کمابیش با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در سال ۱۹۵۲ در مصر، در سال ۱۹۵۸ و دگرباره در ۱۹٦۸ در عراق رخ داده بود، و سبب خروج قاهره و بغداد از حوزه نفوذ غرب و چرخش بسوی شرق منجر شده بود. اما در بطن انقلاب ایران در ۱۹۷۹ نهایتاً نیروهای مذهبی با رهبری امام خمینی(ره)، بود که جمهوری اسلامی را جایگزین رژیم پادشاهی مشروطه غرب گرای سابق کردند. نیروهای ملی در قالب جبهه ملی یا نهضت آزادی و نیز نیروهایی که گرایش‌های چپ داشتند از مسیری که با رهبری امام برای انقلاب مشخص شده بود کنار رفته و در نهایت به حاشیه رفتند. ایران نیز همچون مصر و عراق پس از سقوط پادشاهی‌های غرب گرایشان در پی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ از کمپ غرب خارج شد و در اقدامی که تداعی کننده تکرار تجربه عراق در ۱۹۵۸ نیز بود، تجربه‌ای که شاه همواره از آن ترس داشت، از پیمان سنتو خارج شد و اما برخلاف عراق و مصر از پیوستن به شرق نیز اجتناب کرد. چرا که ایران شبیه به دوره پیش از انقلاب خود را با چالش نیروهای چپ مواجه می‌دید که از حمایت شوروی برخوردار بودند. بنابراین ایران این بار هم از آمریکا و هم از شوروی احساس واهمه می‌کرد، در نتیجه سیاست عدم تعهد را در پیش گرفت و به جنبش عدم تعهد پیوست. بدین ترتیب در پی انقلاب جهت گیری ایران دگرگون شد و روابط ایران با ایالات متحده به تیرگی گرایید تا جایی که همکاری‌های گسترده نظامی و چشمگیر تجاری

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

گذشته جای خود را به روابطی قطع شده و تحریم‌هایی داد که رفته رفته بر دامنه و شدت آنها افزوده می‌شد. ایران از ائتلاف غرب خارج شده و به سوریه، لیبی و بازیگرانی رادیکال پیوست.

انقلاب سبب انتقال در پرسیو تهدید در بین ایران و همسایگان نیز شد، ایران به مثابه یک جمهوری انقلابی تجهیز شده به اسلام سیاسی با گرایش شیعی سبب شد که جزیره‌های کوچک شیعی در درون دولت‌های حوزه خلیج فارس به آسیب پذیری هایی مؤثر برای این کشورها در برابر جمهوری اسلامی ایران تبدیل شوند. این گونه شیفت در توزیع تهدید در حوزه خلیج فارس و آسیب پذیری های ایران بعنوان کشوری انقلاب زده سبب تهاجم عراق به ایران و پشتیبانی دیگر دولت‌های محافظه کار منطقه از عراق شد. آن‌ها هم چنین در حوزه خلیج فارس ائتلاف شورای همکاری را شکل دادند و بر علیه دریافت تهدیدی که بنظر غیرواقعی می‌رسد از نیات و مقاصد ایران انقلابی پیوندهایشان را با ایالات متحده بر علیه ایران تقویت کردند و ایالات متحده نیز که از ۱۹۷۹ نیات و مقاصد ایران را تهدید آمیز دریافته است در طول سه دهه گذشته تحلیل قابلیت‌های ایران و در مقاطعی تلاش برای تغییر رژیم سیاسی ایران را در دستور کار قرار داده است تا دگرباره ایران را وارد نظام اتحادهای خاورمیانه‌ای خود کند. از چشم انداز والت خصومت ایران و ایالات متحده از ۱۹۷۹ به بروشنی قابل تبیین است، تجدید روابط دشمنان نیز خود مبحثی جذاب در سیاست بین الملل است که غالباً موجب می‌شود که اعتبار تعهدات امنیتی و هم چنین پرستیژ دشمنان در اثر تجدید روابط در نزد دوستان و متحدینشان به پرسش گرفته شود. هم اکنون در پی توافق هسته‌ای ایران و غرب، دوستان و متحدین ایالات متحده از آینده حمایت‌های آمریکا از آنها در مقابله با نفوذ منطقه‌ای تهران نگران هستند، گرچه این توافق به معنای تجدید روابط ایران و آمریکا نیست اما پرسش‌ها نگرانی‌هایی شدیدتر را نیز برای رژیم اسراییل ایجاد کرده است. متحدین ایران در خاورمیانه نیز ممکن است با پرسش‌هایی در خصوص تعهدات امنیتی و سیاسی ایران در آینده مواجه شده باشند که به نظر می‌رسد موضع گیری‌های مقام معظم رهبری در چندماه گذشته بروشنی تداوم سیاست‌های گذشته ایران را نشان می‌دهد. ایشان به تداوم حمایت از مقاومت در سوریه، لبنان، فلسطین و دوستان در عراق و مظلومین یمن و بحرین همچون گذشته تاکید نموده‌اند و فرموده‌اند که ایالات متحده از طریق این گفتگوها در جستجوی نفوذ دگر باره در ایران بوده است اما نظام کلیه راههای نفوذ را برآنها بسته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

منابع

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸). *روابط خارجی ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰*، چاپ نهم، تهران: قومس.

اصفهانیان، داوود، ولی‌پور، محمد (۱۳۸۷). «ظهور آمریکا و زمینه‌های نفوذ تدریجی آن در عرصه سیاسی ایران»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره سوم، صص۳۷-۷٤.

اسدی، ناصر؛ رضایی پناه، امیر (۱۳۹۲). «مبانی تقسیم بندی نظام بین الملل و همگرایی و واگرایی‌های آن در گفتمان تعامل گرای ضد توسعه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره اول، صص۱-۲۷.

امام جمعه زاده، سید جواد ؛ابراهیمی، علی؛ مسعودنیا، مریم (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های مذهبی استقلال طلبی در فرهنگ ملی ایران و تأثیر آن در رابطه با آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره دوم، صص۱-۲۷.

خواجه سروی، غلامرضا؛ بهرامی، سمیه (۱۳۹۳). «تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران هراسی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره چهارم، صص۹۳-۱۰۶.

فوران، جان (۱۳۹۲). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

کریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشرنی.

عطایی، فرهاد؛ منصوری مقدم، جهانشیر (۱۳۸۷). «سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره هشتم، صص ۱۵٦-۱۲۹.

فراهانی، حسن (۱۳۸۵). «دکترین نیکسون و پیامدهای آن در ایران»، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، شماره دوازدهم، صص-۱۸۵ ۱۳٤.

لب خنده، ابراهیم؛ کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵). «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره اول، ۵۵-۸۱.

لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: ابرار معاصر.

متقی، ابراهیم (۱۳۷٦). *تحولات سیاست خارجی امریکا: مداخله گرایی و گسترش ۱۹۹۷-۱۹٤۵*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *ژاندارم و ژنرال: نگاهی به روابط ایران و آمریکا در دوران پهلوی دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۳). *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی۱۳۰۰-۱۳۵۷*، چاپ اول، تهران: نشر البرز.

والتز، کنت (۱۳۹٤). *نظریه سیاست بین الملل*، تهران: انتشارات مخاطب .

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]

والت، استفان (۱۳۸۳). *حفظ عدم توازن، خویشتنداری و سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه عظیم فضلی پور، چاپ دوم، تهران: ابرار معاصر.

منابع لاتین:

Gaddis, John Levis.(2006).The Cold War: A New History, Penguin Books Edition.

Kelly, John Barrett. (1968). *Britain and the Persian Gulf: 1795-1880*. Clarendon .

Kinzer, Stephen. (2003).*All the Shah's men: An American coup and the roots of Middle East terror*. John Wiley & Sons.

Plano,Jack C.& Greenbreg,Milton. (1985).*American Political Dictionary*, Holt Rineheart and Winston of Canada Ltd. Edition.

Ramazani, Rouhollah K. (1966). *The foreign policy of Iran: a developing nation in world affairs, 1500-1941*. University Press of Virginia.

Steinberg, Jack, Harry Truman: (2016).The Man Who devided the world, Greet Space Independent Publishing Plutform.

Walt, Stephan. (1990).The Origins Alliance.Carnell Univresity Press.

Walt, Stephan. (1990).Alliance Formation And The Balance Of World: journal of International Security.

Zabih, Sepehr. (1966). *The communist movement in Iran*. Univ of California Press.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

جعفری ولدانی، اصغر؛ پیرهادی، محسن (۱۳۹۵)، «ابعاد نفوذ امریکا در ایران(۱۹۷۹-۱۹۵۳) و پیامدهای آن در شکل گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۶، ش۲، تابستان ۹۵، صص ۲۵-۱.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-27]